

چگونگی شهادت امام هادی علیه السلام

<"xml encoding="UTF-8?">

بسم الله الرحمن الرحيم



شهادت امام غریب و مظلوم تسلیت باد

امام علی النقی (هادی) - علیه السّلام - امام دهم شیعیان جهان است که در نیمه ذی حجه سال 212 هـ. ق در شهر صریا (حومه مدینه) به دنیا آمد. پدرش امام جواد - علیه السّلام - و مادر گرامیش سمانه نام دارد.[1] حضرت امام هادی - علیه السّلام - در 8 سالگی پس از شهادت پدر بزرگوارشان عهده دار مقام امامت گردید و پس از 33 سال امامت در سن 41 سالگی در سامرا در زمان خلافت معتز به شهادت رسیدند.[2]

دوران امامت

امامت امام هادی - علیه السّلام - مقارن با خلافت 6 خلیفه عباسی بود. مقارن بود با 7 سال باقیمانده از خلافت معتصم برادر مأمون، با واثق پسر معتصم به مدت 5 سال، متوکل برادر واثق 16 سال، منتصر پسر متوکل به مدت 6 ماه، مستعین پسر عموی منتصر 4 سال و معتز پسر دیگر متوکل که سه سال خلافت کرد. امام هادی پس از گذشت یک سال از خلافت معتز در سامرا مسموم شده و به شهادت رسید و جسم پاک حضرت در سامرا در خانه مسکونی حضرت مدفون گردید.[3]

نکته مهم در شهادت امام هادی - علیه السّلام - این است که حضرت در سامراء به شدت تحت نظر بود و به خاطر کنترل بسیار شدید و خفقان حاکم و منع دوستان و شیعیان از دیدار با حضرت و عقوبت سخت متخلفین»[4] حتی نزدیکترین یاران امام نیز از حال و وضع امام بی خبر یا بسیار کم اطلاع بودند. و به همین

دلیل است که منابع اشاره دقیقی به نحوه شهادت امام ندارد. منابع فقط شهادت حضرت در زمان معتز را ذکر کرده اند بدون ذکر زمان دستور خلیفه به مسموم کردن و اینکه چه کسانی مأمور این جنایت شدند و چه زمانی این عمل پلید از آنان سر زد و حتی در روز شهادت حضرت هم اتفاق نظر نیست.[5]

امام هادی - علیه السلام - در طول دوران امامت خود از سرکشان و حاکمان فاسد بنی عباس رنجها و محنت های زیادی کشید «و در این میان متوکل در ظلم و ستم به حضرت و سنگدلی گوی سبقت را از دیگران ربود».

«متوکل وجود امام هادی - علیه السلام - را خطر بزرگی برای حکومت خویش احساس می کرد، لذا تصمیم گرفت تا با دو روش هم زمان در یک اقدام از بحرانی تر شدن اوضاع جلوگیری کند. یکی حمله به یاران امام و نابود کردن آثار شیعیان تا حدی که قبر مطهر امام حسین - علیه السلام - را نیز تخریب کرد و دوم دور کردن امام از مدینه که پایگاه سازمان تشیع بود.»[6]

تبعید امام از مدینه به سامرا

«عبدالله بن محمد فرماندار مدینه از دشمنان اهل بیت - علیهم السلام - بود و از امام نزد متوکل سعایت می کرد و پیوسته قصد آزار آن جناب را داشت. امام هادی - علیه السلام - در نامه ای به متوکل سعایت و دروغگویی او را یاد آوری کرد ولی متوکل که زمینه را برای تبعید امام از مدینه و تحت نظر گرفتن مناسب می دید در نامه ای ظاهراً محترمانه از حضرت خواست به سامرا بیاید»[7]

نامه متوکل رسید و حضرت آماده رفتن به سامرا شد «وقتی آن حضرت به سامرا رسید متوکل (با آن همه وعده و احترام که در نامه اش بود) یک روز خود را پنهان کرد و آن حضرت را در کاروانسرای که به کاروانسرای گداها معروف بود فرود آورد».[8]

سپس متوکل دستور داد: «حضرت را کاملاً تحت نظر گیرند و خانه شان را محاصره کرده و مانع دیدار شیعیان با ایشان و استفاده دانش پژوهان از آن سرچشمه علم و معرفت گردند و حتی ایشان را در تنگنا و محاصره اقتصادی قرار داد و رساندن حقوق شرعی و هدایا را از داخل و خارج بر حضرت ممنوع کرد و متخلفان را عقوبتی سخت نمود»[9]

آزار امام هادی علیه السلام

این وضعیت جز در حکومت شش ماهه منتصر تا زمان شهادت امام ادامه داشت و در زمان معتز شدت گرفت.

یکی دیگر از سختگیری های متوکل در آزار امام هادی - علیه السلام - این بود که «گاه بگاه به مأموران خود دستور می داد تا ناگهانی به خانه امام ریخته و آنجا را بازرسی کنند به امید آنکه سلاح یا مدرکی دال بر فعالیت ایشان علیه حکومت بدست آورند. لکن در این حمله های شبانه جز کتاب های علمی و ادعیه چیزی یافت نشد» [10]

گاهی متوکل فرمان می داد «حضرت را در هر حالتی که هست به دربار آورند. در یکی از این احضارها امام در حالی بر متوکل وارد شد که او مست و لا یعقل در کنار جامها و سبوه های شراب و در میان گروه های خنیاگر و رقاصه افتاده بود. امام بی توجه به موقعیت خطیر و خطرات احتمالی به شدت او را سرزنش و ملامت کرد و به نصیحت گویی و یاد آوری قیامت پرداخت و فسق و فجور و می خوارگی و بدکارگی او را محکوم ساخت. متوکل بر آشفت و دستور داد ایشان را در زندان محبوس سازند» [11] حضرت روانه زندان شد و «شخصی از حضرت شنید که می فرمودند انا اکرم علی الله من ناقة صالح» [12] و سپس این آیه را خواندند «تمتعوا فی دارکم ثلاثة ایام ذلک وعد غیر مکذوب» [13]

بیش از سه روز نگذشت که متوکل به دست فرزندش منتصر به هلاکت رسید» [14]

منتصر گر چه بر امام سخت نگرift ولی این آرامش نسبی امام و شیعیان پس از شش ماه تمام شد و دوباره آزار و حصر و شکنجه و قتل راهکار اساسی خلافت در مقابل شیعیان بود «امام هادی - علیه السلام - با حاکمان ستمگر سازش نکرد و آنها از مبارزه منفی و عدم همکاری حضرت هراس داشتند و رنج می بردند تا اینکه تنها راه خویش را خاموش کردن نور خدا پنداشتند و بدین ترتیب امام هادی - علیه السلام - نیز مانند امامان پیشین به مرگ طبیعی از دنیا رفت بلکه در زمان معتز مسموم گردید» [15]

تاریخ شهادت

منابع معتبر و مورخان شیعه شهادت حضرت را در « ماه رجب سال 254 ه.ق» [16] می دانند. مرحوم آیت الله مرعشی نجفی شهادت حضرت را در روز دوشنبه سوم رجب سال 254 ه.ق می داند [17] گر چه برخی منابع شهادت حضرت را در ماه جمادی الثانی [18] یا 27 رجب [19] نیز ذکر کرده اند

معرفی منابع جهت مطالعه بیشتر:

- 1- زندگانی امام علی الهادی، باقر شریف رضی.
- 2- منتهی الآمال، شیخ عباس قمی.
- 3- سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی.
- 4- زندگی پیشوای دهم امام هادی، عقیقی بخشایشی.

[1] . شیخ مفید، الارشاد، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، ج2، ص417-418؛ پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان، قم، موسسه امام صادق، چاپ سیزدهم، 1381ش، ص567؛ طبرسی، امین الاسلام، اعلام الوری، دارالکتاب الاسلامیه، چاپ سوم، ص355.

[2] . شیخ مفید همان، طبرسی، همان.

- [3] . پیشوایی، همان، ص 612 به نقل از شبلنجی، نورالابصار، ص 166؛ شیخ مفید در الارشاد به جای شهادت از لفظ وفات استفاده کرده است.
- [4] . عقیقی بخشایشی، زندگانی پیشوای دهم امام هادی(ع)، قم، انتشارات نسل جوان، 1357ش، ص 40-45؛ ادیب. عادل، زندگانی تحلیلی پیشوایان ما، ترجمه اسدالله مبشری، نشر فرهنگ اسلامی، چاپ شانزدهم، 1376ش، ص 256-258.
- [5] . سن امام را بین 40 تا 42 سال ذکر کرده اند و روز شهادت امام را یا ذکر نکرده اند یا سوم رجب یا بیست و هفتم رجب و یا در ماه جمادی الثانی ذکر کرده اند که خواهد آمد.
- [6] . اصفهانی، ابوالفرج، مقاتل الطالبیین، نجف، منشورات المكتبة الحیدریة، 1385ق، ص 395؛ پیشوائی، همان، ص 571؛ ادیب، عادل، همان، ص 256؛ عقیقی بخشایشی، همان، ص 53-54؛ قرشی، باقر شریف، زندگانی امام علی الهادی، انتشارات اسلامی، 1371، ص 386.
- [7] . شیخ مفید، همان، ص 435؛ طبرسی، اعلام الوری، همان، ص 365؛ قرشی، زندگانی امام علی الهادی، همان، ص 386.
- [8] . شیخ مفید، الارشاد، همان، ص 438.
- [9] . قرشی، باقر شریف، زندگانی امام علی الهادی، همان، ص 386.
- [10] . قرشی، باقر شریف، همان، ص 387.
- [11] . قرشی، باقر شریف، همان، ص 387.
- [12] . ترجمه: من نزد خدا از ناله حضرت صالح محترم ترم.
- [13] . هود / 56، در خانه هایتان سه روز به آسایش و خوشگذرانی سپری کنید (سپس عذاب الهی خواهد رسید) آن وعده ای است که دروغ نخواهد بود.
- [14] . طبرسی، اعلام الوری، همان، ص 363؛ عماد الدین طبری، مناقب الطاهرین، تهران، انتشارات راین، 1379، ج 2، ص 827.
- [15] . پیشوایی، سیره پیشوایان، همان، ص 612 به نقل از شبلنجی، نورالابصار، ص 166.
- [16] . شیخ مفید. الارشاد، همان، ص 439؛ طبرسی، اعلام الوری، همان، ص 355؛ پیشوائی، همان، ص 567.
- [17] . مرعشی نجفی، سید شهاب الدین، مجموعه نفیسه، ص 56.
- [18] . عقیقی بخشایشی، همان، ص 90 به نقل از قندوزی، شیخ سلیمان بلخی، نیابیع المودة، بیروت، ج 3، ص 14.
- [19] . عقیقی بخشایشی، همان، ص 112.

نه همی جای تو در سامره تنها باشد

که به دل‌های محبان تو جای تو بود

دیده گریان نشود روز جزا در محشر

هر که گریان به جهان بهر عزای تو بود

امروز زمین و آسمان می گرید

از بهر غریب سامرا می گرید

جا دارد اگر که شیعه خون گریه کند

چون مهدی صاحب الزمان می گرید

غروب غریبانه دهمین آفتاب ولایت، بر رهروان راه مقدسش

تسلیت باد